

معاد از دیدگاه امام علی(ع)

محمدجواد حسن زاده

دانشجو دکترا روانشناسی صنعتی، استاد دانشگاه، پیام نور، شازنده، ایران.

Email: hasanzadehmohammad@rocketmail.com¹

چکیده

معاد یکی از اصول ادیان توحیدی است و اعتقاد به آن مابه الامتیاز تفکر دینی از تفکر غیردینی می باشد. از سوی دیگر، اعتقادات و باورهای آدمی نقش مهمی در حیات آدمی دارد. یکی از راه های نشان دادن تأثیر اعتقادات در حیات آدمی، مراجعه به متون دینی است. نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی که مشتمل بر برخی فرمایشات امیرالمومنین است، به صورت مستقیم و غیر مستقیم آثار مختلف اعتقاد به معاد را در حیات انسانی بیان کرده است. این باور موجب می شود که آدمی در همه حالات خودش را در محضر الهی بداند. از اینرو پیوسته مراقب گفتار و کردار خویش می باشد. استخراج این آثار علاوه بر تبیین آثار معاد در حیات دنیوی آدمی، می تواند نقش مهمی در تقویت مبانی اعتقادی و همچنین تعیین الگوی رفتاری مناسبی برای افراد جامعه ایفا کند. در واقع توجه به این آثار نقش سازنده ای در زیست مومنانه افراد جامعه داشته و زمینه ساز تشکیل جامعه ای مومنانه خواهد بود.

واژگان کلیدی: معاد، نهج البلاغه، دنیا، معادباوری، امام علی (ع)

مقدمه

معاد یکی از اصول مهم ادیان توحیدی و از جمله دین مبین اسلام است تا جایی که بیش از یک پنجم آیات قرآن و همچنین روایات بسیاری به این اصل اعتقادی مهم اختصاص یافته است. در نهج البلاغه برای ضرورت معاد به چند نکته اشاره شده است: اول. پاسخگویی مومنان و گناهکاران در مقابل طاعت و عصیانی که در دنیا مرتکب شده اند.

دوم. دادرسی حق تعالی در باره اعمال بندگان (نامه ۵۳)

سوم، تحقق کامل عدالت الهی (خطبه ۲۲۳)

اما باور به اصول اعتقادی، تأثیر شگرفی در شئون مختلف حیات انسانی دارد. در این میان باور به معاد نیز در ابعاد مختلف حیات انسانی نقش آفرین است. توضیح آنکه یکی از معضلات جوامع کنونی، وجود ناهنجاری ها فردی و اجتماعی است. این ناهنجاری ها کیان خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار داده و سلامت آن را تهدید می کند. بی تردید وجود چنین ناهنجاریها ریشه در باورها و اعتقادات آدمی دارد. این امر در مقایسه رفتارهای جوامع غرب جدید با جوامع دینی مشخص می شود. رویکرد غالب جوامع غربی، انسان گرایی (humanism) است. به صورتی که هر موضوعی تنها در دایره انسان و خواسته های انسانی حق تلقی می شود. در مقابل رویکرد جوامع دینی مبتنی بر فرامین خداوند تعالی است و معیار حق و حقانیت نیز بر همین اساس است. متأثر از این دو رویکرد و باور متفاوت که در جوامع متجدد غربی و جوامع دینی مشاهده می شود، رفتارها و سبک زندگی آنها نیز متفاوت و نتایج مختلفی در پی دارد.

یکی از روش‌های مطالعه و نشان دادن این تأثیر رجوع به خود متون دینی است. نهج البلاغه در پرتو انوار قدسیه مولای متقیان حضرت علی لا پس از قرآن مجید، در شمار منابع ثانویه دین اسلام محسوب می‌شود. امیرالمومنین کلی در بخش‌های مختلف از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها و در مناسبت‌ها گوناگون به تأثیرات معاد در زندگی انسان اشارت‌های ارزشمندی نموده است. بطور کلی باور معاد در دنیا و آخرت اثرگذار است. اثرگذاری باور به معاد و مرگ آگاهی تا بدانجا است که حضرت در باره چنین اشخاصی فرموده است: طوبی لمن ذکر المعاد» (حکمت ۴۴) و در جای دیگر نیز مشخصه‌های این افراد را اینطور بیان فرموده است: «طوبی للزاهدین فی الدنيا الراغبین فی الآخرة» (حکمت ۱۰۴)

آثار دنیوی معادباوری مشتمل بر آثار فردی و آثار اجتماعی است. شایان باد است، باور به معاد آن گاه موثر است که عمل فرد همچون نظرش تغییر کرده و در راستای آخرت باشد. حضرت در پاسخ فردی که از ایشان خواسته بود موعظه اش کند، بدین مهم اشاره می‌کند و توصیه می‌کنند نباید بدون توجه به رفتار و کردار صرفاً به آخرت امیدوار بود و به امید دراز، توبه را عقب بیندازد و در ادامه چنین اشخاصی را این چنین معرفی می‌کنند: «فی الدنيا بقول الزاهدین و یعمل فیها بعمل الراغبین» (حکمت ۱۵) درعوض باید برای مرگ و سفر آخرت خود را آماده کرد و راهکار این امر را حضرت اینطور بیان می‌کند: فاتقوا الله عباد الله و بادروا آجائهم بأعمالهم و اتوا ما بقی لکم بماؤول عنکم ولوا فقد جد بگمو استعدادوا للموت فقد أکم» (خطبه ۶۴) در این مقاله تلاش شده است تا از خوانش کلمات گهربار حضرت علی علا در نهج البلاغه به تأثیرهای معاد در حیات دنیوی اشاره شود

الف) آثار فردی

آثار فردی شامل تأثیراتی است که اعتقاد به معاد در زندگی فردی خواهد داشت. به عبارت دیگر، باور به قیامت موجب می‌شود که فرد در رفتارهای شخصی خویش تغییراتی ایجاد کند. بنابراین تلاش می‌کند که رفتارهای خود را به جهتی سوق دهد که موجب نجات از آتش عذاب و رسیدن به بهشت جاویدان شود. این آثار عبارتند از:

۱. استغفار و زایل شدن گناهان

از منظر امیرالمومنین علی (ع)، استغفار یکی از کارکردهای فردی اعتقاد به معاد است. فردی که از معاد و حسابرسی بیمناک است، چشم‌هایش خواب ندارد و پهلوهایش برای استراحت در خوابگاهش قرار نگرفته و ... گناهانش بر اثر استغفار از بین رفته است. ائمه (۴۵) عبارت اخیر در ترجمه این فراز است: او تقشعت بطول اشیا رهم وهم». تقشع از ماده قشع به معنای پراکنده کردن و از بین بردن است.

همچنان که باد ابرها را پراکنده می‌کند. (فراهیدی، ج ۱، ص ۱۲۵ / ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۷، ص ۳) به نظر برخی شارحان نیز در اینجا تقشع استعاره آورده شده برای محو شدن گناهان از صفحات دل؛ چراکه گناهان در سیاه کردن صفحه‌های جانها و ممانعت آنها از پذیرش انوار الهی همچون ابرهای متراکمی هستند که مانع رسیدن نور خورشید به گیاهان می‌شوند. بدین سان فرد در اثر خوف معاد به استغفار میبپردازد و نتیجه استغفار نیز زایل شدن گناهان است. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۹۶)

۲. ذکر و یاد خدا کردن

یاد معاد و خوف از آن موجب می‌شود که فرد همواره به یاد معاد باشد: «همهمت بذکر ربهمشقا هم» (نامه، ۴۵) البه پر واضح است که این ذکر صرفاً لقلقه زبان نیست، بلکه ذکر و یادکردی است که از درون می‌جوشد. در غیر این صورت نمی‌توانست موجب استغفار

شود. یکی از ویژگی‌های اهل ذکر عبارت است از توجه به آخرت. حضرت درباره اهل ذکر چنین می‌فرماید: «فكأنما قطعوا اليا إلى الآخرة و هم فيها شاهدوا ما وراء ذلك فکما ۱۷۷ اطلعوا عیوب أهل البؤرخ فی طول الإقامة فيه و حققت القيامة عليهم عاداتها فكفوا غطاء ذلك لأهل الدنيا حتى انهم يرون ما لا يرى الكاش ویشمون ما لاشمعون» (خطبه ۲۲۲)

۳. دعا و نیایش

افرادی که زهد در دنیا و رغبت به آخرت را پیشه خود قرار می‌دهند، دعا را همچون لباس روئین در نظر می‌گیرند: (طوبی الزاهدین فی اللثیا الراغبین فی الآخرة أولیک قوم ان الدعاء وارا « حکمت ۱۰۴) شایان یاد است، دعا نیز کلید خزانه رحمت الهی است (نامه ۳۱) البته دعا واجد شرایطی است که برخی از آنها عبارتند از اخلاص، درخواست خیر و نیکی، امیدواری به اجابت دعا و خواسته‌های سودمند (نامه ۳۱)

۴. زهد و عدم دلبستگی به دنیا

در کلام مولی‌الموحدین علی‌یلا، دنیا و آخرت مقابل یکدیگر بوده و اصلا دشمن هم هستند. آنها دور راه متفاوت از هم هستند. هرکسی به دنیا عشق بورزد و بدان دل ببندد، آخرت را دشمن شمرده است. (حکمت ۱۰۳) حضرت در نامه‌ای به محمدین حنفیه، زهد را از صفات پرهیزگاران می‌داند که از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند: «ذهبوا بعاجل الثیا و آجل الآخرة ... أصابوا له فی الدنيا فی دنیاهم» (نامه ۲۷) در واقع شخص با زودگذر بودن دنیا و جاودانگی آخرت، زهد در دنیا را سلوک عملی خویش قرار دادند. در جای دیگر نیز حضرت می‌فرماید: طوبی للزاهدین فی الأیا الراغبین فی الآخرة أولیک... قوا الدنيا قرضا علی منهج المسیح (حکمت ۱۰۴) برخی شارحان منهج حضرت عیسی مسیح را عدم دلبستگی به دنیا دانسته‌اند. (ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۶، ص: ۱۱۳۴) اصولا فردی که با چشم قلبش لذات بهشت را مشاهده کند، دیگر به لذتهای خوشی‌ها و منظره‌های خوش دنیوی دل نمی‌بندد. فرد آن چنان شوق رفتن به آنجا را می‌یابد که به همسایگی قبرستان می‌رود (خطبه ۱۶۵) حضرت در فراز دیگری می‌فرماید: إن الیوم المضمار و غدا السباق و الشقه الجنة و الغایة النار «(خطبه ۲۸) مضمار به مدتی گفته می‌شود که اسبها را برای روز مسابقه اسب دوانی تربیت می‌کنند. بدین طریق که مدتی بر علوفه اسب می‌افزایند تا خوب فریه و پر زور گردد، پس از آن مدتی به تدریج علوفه را کم می‌کنند تا به حالت عادی برسد و اسب از خامی بیرون آید و برای روز مسابقه حاضر باشد.

حال هرکس در این مدت مضمار خود را به اعمال صالحه و اخلاق پسندیده ریاضت دهد و تربیت نمود، فردا در آن میدان امتحان سبقت گیرد و بهشت را بریابد، و هر که در آن کوتاهی نمود و غفلت ورزید فردا خوار و شرمسار گردیده در آتش داخل شود. (رک. ترجمه نهج البلاغه فیض الاسلام ج ۱، ص ۱۰۰) در مقابل طول امل و آرزوی بی حساب موجب فراموشی آخرت است. (خطبه ۴۲) براین اساس رابطه‌ای دو سویه میان یادآوری آخرت و دنیازدگی وجود دارد بطوری که هرچه باد آخرت بیشتر باشد از دنیا زدگی فاصله گرفته می‌شود و در مقابل هرچه دنیا زدگی بیشتر باشد، باد آخرت کمتر می‌شود. (حکمت ۱۰۳) همچنین سختی دنیا را شیرینی آخرت و شیرینی دنیا را سختی آخرت معرفی می‌کنند. (حکمت ۲۵۱) در نگاه امیرالمومنین علی دنیا هنگامی مفید است که «بالأدنیاء تخرژ الآخرة» (خطبه ۱۵۶)

۵. نزدیکی و مداومت بر قرآن

از منظر مولا علی الا قرآن نصیحت کننده و هدایت کننده ای است که غش و گمراهی در آن راه ندارد. بی تردید هم نشینی با قرآن موجب هدایت فرد است. قرآن برای بزرگ ترین دردهایی همچون کفر، نفاق و گمراهی شفا است. براین اساس حضرت به دوستی با قرآن سفارش می کند و در باره شأن قرآن در قیامت اینطور می فرماید: «انه شافع مممممم و قال مصدق و انه من شفع له القرآن يوم القيامة شفع فيه و من محل به القرآن يوم القيامة دق عليه فإنه ينادى مناد يوم القيامة ألا إن محل خار منتى فى حرثه و عاقبة عمل غير رثة النزای فوتوا من حرية و أنباعه و اشتولوه على ربكم و استنصحوه على أنمیگم و اتهموا عليه آزاء گم و اشتیمشوا فيه أهواء کم» (خطبه ۱۷۶). حضرت در فرازی از نهج البلاغه در باره زاهدپیشگان دنیا و راغبان نسبت به آخرت می فرماید: «اولیک قوم ان خوا القرآن شعارا». (حکمت ۱۰۴) برخی شاحان در تفسیر کلام مولی علی لا گفته اند که مراد از شعار آرایش و زنت دورن است. (ترجمه و شرح نهج البلاغه فیض الإسلام، ج ۶، ص: ۱۱۳۴)

ابن میثم در شرح استعاره شعار برای قرآن می گوید: آنان پیوسته در حال آموزش و درک مقاصد قران هستند، همانند لباس زیرین که همراه بدن است. (ابن میثم، ج ۵، ص ۲۹۸) البته این مداومت، ظاهری نیست، بلکه به نحوی است که قرآن در قلوبشان زندگی نموده و احکامش را احیاء نموده و اوامرش را بکار می گیرند. (موسوی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۸۱)

حضرت در فرازی دیگر آداب مداومت را بدین صورت بیان می کند: تلاوت با تدیر آیات قرآن، محزون کردن جان خویش، گرفتن داروی دردهای خویش از قرآن، توجه به آیات دال بر تشویق و نصب العین کردن آن در زندگی، مواجهه توأم با ناله در برابر آیاتی بیمناک، رکوع و سجده رفتن در پیشگاه الهی، درخواست رهایی از آتش جهنم. (خطبه ۱۹۳) به نظر می رسد فرمایش حضرت ذیل آیه زیر معنا دارد:

إنما یؤی بآبائنا الذین إذا غزوا بها غزوا شد و تنوا بخیر هم و هم لا یتکبرون» (سجده: ۱۵) براین اساس صرف قرائت قرآن کافی نیست و چه بسا قاری قرآن پس از مرگ اهل دوزخ باشد (حکمت ۲۳۸)، بلکه باید در مقابل قرآن اطاعت پیشه نمود (خطبه ۱۸۳) اهمیت قران تا بدانجا است که حضرت توصیه می کنند که از بذرافشانان قرآن و پیروان آن باشید؛ چراکه قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته شده و گوینده ای است که سخنش تصدیق می گردد. به هر حال شفاعت و شکایت قرآن مورد پذیرش قرار می گیرد. (خطبه ۱۷۶)

۶. خوف از خدا

شخص خردمند از خدا خوف دارد و سراسر وجودش را این خوف فرا گرفته است. حضرت دلیل این خوف را ترس از قیامت می داند: «أنصب الخوف بده ... قدم الخوف لأمانه» (خطبه ۸۳) حضرت در فراز دیگری می فرمایند که برخی با یادآوری یاد معاد همچون شعله های آتش لرزان هستند و با یاد نام خدا چشمانشان آن چنان گریان می شود که گریبانشان تر شده و همچون بید میلرزند. اینها همه از ترس عقاب است. (خطبه ۹۷)

شایان ذکر است، انسان معاد باور با توجه به این خوفی که از خداوند دارد، به اعمال خویش جهت داده و در واقع خوف را به صورت عملی انجام خواهد داد. از اینرو این خوف موجب رنج و زحمت فرد نیز می شود. (ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۶۷) حضرت در جایی ترس از خدا را موجب اجتناب از گناه می داند: افادوا من الله ما حکم من نفسی و الحشوه خشية لیست بتغذیر» (خطبه ۲۳) حضرت توصیه می کنند، هرچه می توانید باید این خوف را تشدید کنید، اما در عین حال باید به خداوند حسن ظن و امید داشت. خطبه ۱۲۰) براین اساس حضرت امر می کنند به خوف و رجاء که این دو در از درهای بهشت می باشند. البته هیچ یک از اینها علت دیگری نیستند، بلکه این دو معلول یک علت هستند و آن معرفت به حق تعالی. جمع میان خوف و رجاء موجب ایجاد فضایل بسیاری در

انسان ها می شود؛ چرا که با حصول معرفت و یقین به خداوند، خوف از عذاب و امید به ثواب در وی ایجاد می شود و تحقق این دو نیز موجب صبر و بردباری می شود. (ابن میثم، ج ۴، ص ۷۳۶)

۷. تهجد و شب زنده داری

یکی از نشانه های شخص معاد باور آن است که از خوف معد شب زنده دار بوده و خواب به چشمانش راه ندارد. (نامه ۴۵) حضرت امیرالمومنین در فرازی دیگر خطاب به یکی از صحابه خاص می فرماید: خوشا به حال پارسایان در دینا که به آخرت دل بسته اند... این ساعتی آنزدیک سحر) است که در آن بندهای دعا و درخواست نمی کند، مگر آنکه روا می گردد. (خطبه ۸۳) شایان ذکر است، شب زنده داری نیز موجب نور در قیامت است. (مجلسی، ج ۷۹، ص ۳۳۰)

۸. آمادگی برای آخرت

اگر هر شخصی مسافرتی مهم در پیش داشته باشد، در تلاش است تا شرایط را مهیا کند تا سفر به خوبی انجام شود. حال کسی که از مهم ترین سفر در طول زندگی اش آگاهی یعنی آخرت داشته باشد و نسبت به آن التفات کافی داشته باشد، در تلاش است تا آمادگی لازم برای این سفر را کسب کند: « من گر بعد الشرف اشتهد » (حکمت ۲۸۰) از منظر بسیاری مفسرین مراد از سفر در اینجا، مطلق سفر نیست، بلکه مراد سفر آخرت است. (ابن میثم، ج ۵، ص ۶۵۵ شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ص ۸۲) همچنین حضرت در فراز دیگری، به صراحت بر آمادگی برای این سفر دستور داده اند: «فعلیکم بالجد و الاجتهاد و التأهب و الاستعداد و التزویب فی منزل الزاده (خطبه ۳۳۰) بعلاوه بر اینکه یکی از صفات متقین نیز تلاش برای آخرت است. (نامه ۲۷) سه دلیل از دلایل آمادگی برای مرگ عبارت است از نزدیکی مرگ، ناگهان بودن مرگ و همچنین عدم امکان جلوگیری از مرگ. (خطبه ۲۳۰) بر همین اساس فردی که به مرتبه مرگ آگاهی رسیده و می داند که دیر یا زود مرگش فرا می رسد از فرصتی که در دنیا دارد به نحو احسن استفاده کرده و عمل صالح می کند. (خطبه ۱۸۷) از اینرو حضرت این پرسش را مطرح می کند: -فمن أقرب إلى الجنة من عاملها و من أقرب إلى النار من عاملها» (نامه ۲۷)

۹. گریه

یکی دیگر از آثار معادباوری، اشک و گریه است: « وبقی رجال ” أنصارهم ذکر المعج و أراق دموعهم خوف المحشر » (خطبه ۳۲) بدین سان خوف از رستاخیز موجب گریان شدن دیدگان می شود. حضرت در فرازهای دیگری چند خاستگاه گریه را بر می شمرد: خوف از خدا (خطبه ۹۷)؛ عشق الهی (خطبه ۵۲)؛ گریه بر گناهان (خطبه ۱۷۶). شایان ذکر است، می توان این سه خاستگاه گریه را نیز با معادباوری مرتبط دانست. از سویی مومن در روز قیامت به لقاء الله نایل می آید و از اینرو عشق الهی زایدالوصفی که به خداوند دارد موجب گریه او می شود. اما این عشق او به حق تعالی موجب نمی شود که نسبت به خداوند خوف نداشته باشد. آدمی با شناخت عظمت الهی در مقابل او احساس ذلت نموده و از خون گریه می کند. از سوی دیگر آدمی از محاسبه سخت اعمال در قیامت نیز گریان می شود که چگونه می تواند از عذاب سوزناک و دردناک آخرت رها شود. حضرت در فرازی دیگر یاد مرگ را مانع لهو و لعب می داند. «و الله إني ليمنعني من اللعب في المؤت» (خطبه ۸۴)

۱۰. خاموشی و سکوت

یکی از مشخصه های زاهدان ترس از قیامت است که به این دلیل اهل سکوت هستند: او یقی رجال و أراق موعهم خوف المحشر فهم بین شریذ تاد و خائف متنوع و سایت کوم» (خطبه ۳۲) حضرت در فرازی دیگر بر مواظبت از زبان سفارش می کند و می فرماید، نه تنها آنچه را که شناختی از آن نداریم، بلکه درباره هر چه می دانیم، سخن نگوئیم؛ چرا که خداوند بر همه اعضاء و جوارح احکامی را واجب کرده اند و روز قیامت با آنها بر شخص دلیل و بهانه می آورد. (حکمت ۳۸۲) ابن ابی الحدید مراد از این دو امری که حضرت

توصیه می‌کند را اینطور بیان می‌کند که اولی دروغ‌گویی و دومی سخن در بیاره امری که یقین نداری. (شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص: ۳۲۳)

۱۱. فروبردن خشم

حضرت به مالک اشتر توصیه می‌کند هنگام برافروختگی خشم باید بر زبان و دست او بالکل همه اعضا و جوارح مسلط بود. راهکار این امر در باد معاد است: «املك خيرة أنفك و تؤرة خدك و سطوة بوك و ب لايك و اخترش من كل ذلك بكف البادرة و تأخير الشطوني حتى يشن غضك تملك الاختيار و لن تخم ذلك من نفسك حتى كثر همومك بذكر المعاد إلى ربك» (نامه ۵۳)

۱۲. توبه

انسان معادباور در دنیا فرصت توبه دارد، این فرصت را غنیمت شمرده و توبه می‌کند. الآن عباد الله و الختاق مهمل و الروح مزین فی فنة الإرشاد و راحة الأجا و باخة الاخيشانی و مهل التقنيّة و فی المنة و إثار التوبة و الفتح الكوبة قبل النيك و الضيق و الروع و الروقي و قيل وم القاب المنظر و إحدة العزيز المير» (خطبه ۸۳) سید رضی پس از این فرازهای پایانی خطبه ۸۳ که برخی آن را خطبه غراء نامیده‌اند، از گریه‌ها و اضطراب‌های حاضرین سخن می‌گوید.

۱۳. عمل صالح

حضرت به انجام و اتمام عمل صالح و استقامت در کارها و صبر و ورع توصیه می‌کند و در پایان خاطر نشان می‌کند که پایان و نهایتی در کار است: العمل العمل ثم النهاية النهاية و الاستقامة الاستقامة ثم الصبر الطير و الورع الورع إن لكم نهاية فانتهاوا إلى نهائیکم» (خطبه ۱۷۶) به صرف علم به معاد و آگاهی از بهشت و جهنم شخص بهشتی نمی‌شود: او ژفع لهم علم البيئنة و الارصرفوا عن الجنة و جوههم و أقبلوا إلى النار بأعمالهم» (خطبه ۱۴۴) از اینرو مهم نه علم صرف بلکه علمی است که

همراه آن عمل باشد؛ عملی که در راستای آن علم باشد. بر همین اساس آگاهی از مرگ موجب رفتن شخص به سوی انجام کارهای خیر می‌شود: «من از تقى الموت شارع (فی) إلى الخيرات» (حکمت ۳۱) یکی از اعمال صالح که حضرت بیان می‌کند، عبارت است از قناعت به آنچه خداوند به وی روزی نموده است: «طوبى لمن ذكّر المعاد و عمل للجباب و قنع بالكافی و رضی عنا الله، (حکمت ۴۴)

۱۴. اجتناب از زشتی‌ها

از منظر حضرت امیرالمومنین کسی که مشتاق رسیدن به بهشت و از رفتن به به جهنم بیمناک است، از شهوتها و خواهش‌های نفسانی دوری می‌کند و از انجام کارهای حرام اجتناب می‌کند. (حکمت ۳۱)

(ب) آثار اجتماعی

دسته‌ای از آثار اعتقاد به معاد در حوزه آثار اجتماعی است. این آثار جامعه را تحت تأثیر قرار داده و موجب سعادت جامعه می‌شود.

۱- پرهیز از ظلم و ستم

اعتقاد به معاد موجب می‌شود که فرد از ظلم و ستم به دیگران اجتناب کند: «و الله لأن أبيت على خلی الشعان مهد أو أكثر فی الأغلال مصداً أحب إلى من أن ألقى الله و شوله يوم القيامة ظالماً لبعض العباد» (خطبه ۲۲۴) در این خطبه ملاقات ستمکار با خداوند و پیامبر در روز قیامت بسیار مذموم شمرده شده است. حضرت در فرازهای دیگری نیز اطرافیان و مردم را از ظلم و ستم بازداشته‌اند. (نامه ۳۱: خطبه ۱۹۲) ایشان در راستای نشان دادن بیهودگی ظلم و ستم بر ناپایداری دنیا و فانی بودن جسم انسان اشاره می‌کنند: «كيف أظلم أحداً لنفس يشرع إلى البلى ولها و يطول فی الزی غلولها» (خطبه ۲۲۴) در فرازی دیگر بدترین زادتوشه قیامت را ظلم به بندگان معرفی می‌کند. (حکمت ۲۲۸) و روز انتقام مظلوم از ظالم یعنی روز قیامت را شدیدتر از روز ظلم ظالم بر مظلوم

یعنی دنیا می‌دانند. (أحکمت ۲۴۱) شایان ذکر است، ظلم بر بندگان از سنخ ظلم‌هایی است که بدون مجازات نمی‌ماند. (خطبه ۱۷۶) چه بسا خداوند به ستمگر چند روزی در این دنیا مهلت دهد، اما بازپرسی و عقایش در آخرت ختمی است. (خطبه ۹۷)

۲. پرهیز از غضب

از دیگر آثار اجتماعی باور به معاد، اجتناب از غضب است. غضب در لغت به معنای گرفتن چیزی از روی ظلم و قهر است. (فراهیدی، ج ۴، ص ۳۷۴) البته غضب در واقع یکی از مصادیق ظلم و ستم است، اما به دلیل اهمیتش در اینجا ذیل عنوان مستقلی آورده شده است، حضرت امیرالمومنین کی ملاقات غاصب با خداوند و پیامبر یا در روز قیامت را بسیار قبیح می‌شمرد. (خطبه ۲۲۴) حضرت در فرازی دیگر تأثیر غضب در زندگی را اینطور بیان می‌کند: «الحجر [الغضب الغصیب فی الدار زهن علی خرابها » (حکمت ۲۴۰) در اینجا سنگ غضبی در بنای خانه، گروگان ویرانی آن است. شارح بحرانی در ذیل این روایت معتقد است، این مطلب کنایه از هر پیامدی است که ستمکاری برای شخص ستمگر دارد و نیز کنایه از ویرانی بنای ظلم است. این میثم، (جلد، ص ۶۱۵) در روایات غضب دارای آثار هولناکی است که برخی از آنها عبارتند از: رویگردانی و بی‌توجهی خدا به شخص غاصب مال مومن، چشم پوشی خداوند بر نیکیه‌های غاصب (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۲۷۳)، هفت برابری عذاب (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ج ۱۸، ص ۱۰۷۴)، حرمت بوی بهشت (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۱۶۷).

۳. پرهیز از رشوه

رشوه تحت هیچ شرایطی مورد تأیید آیین اسلام نبوده و در روایات و آیات همواره بر مذمت رشوه و عواقب بد آن تأکید شده است. پرهیز از رشوه رهاورد باور به معاد است. زشتی رشوه گیرنده و رشوه دهنده در واقعه‌ای که حضرت در نهج البلاغه بیان فرموده مشخص می‌شود: «شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سر پوشیده پر از حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی، باقی کرده آن مخلوط کردند. به او گفتم: هدیه است؟ یا زکات یا صدقه؟ که این دو بر ما اهل بیت پیامبر حرام است. گفت: نه، نه زکات است نه صدقه، بلکه هدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگریند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده با جن زده شدی؟ یا هذیان می‌گویی؟» (خطبه ۲۲۳) اقدام به رشوه با خواب غفلت و تعطیلی عقل و همچنین لغزش قبیح عملی می‌شود که در این باره باید به خدا پناه برد. پرهیز از رشوه نیز در سایه اعتقاد به زودگذر بودن دنیا و نعمت‌های دنیوی امکان دارد. (ارک. خطبه ۲۲۴)

۴. پرهیز از خیانت و فریبکاری

یکی دیگر از آثار معادباوری، اجتناب از خیانت است. حضرت علی علی می‌فرماید: «و ما یغدر من علم کثف المزجج (خطبه ۴۱) واژه غدر به معنای ترک کردن است و به نقض عهد و ترک پیمان نیز غدر گفته می‌شود. (ابن فارس، ص ۷۸۳) حضرت در مقابل برخی که مکر و نیرنگ و پیمان شکن را نشانه کیاست می‌دانند، موضع گرفته و پیمان شکنی را گناه و کفر دانسته که مستحق دوزخ است. (خطبه ۲۰۰) حضرت نهی الهی را مانع مکر و نیرنگ می‌داند. اما فردی که از مخالفت با حق تعالی ابا نمی‌کند، مترصد فرصتی است برای نیرنگ. (ارک. خطبه ۴۱) براساس متون دینی فریبکاری تا بدانجا نهی شده که سفارش شده حتی نسبت به کفار نیز خلاف عهد عمل نشود. (مجلسی، ج ۷۲، ص ۲۸۸) البته همچنان که باید از فریبکاری اجتناب شود، در مقابل نیرنگ فریبکاران نیز نباید غافل بود. (خطبه ۲۰۰)

۵. پرهیز از امتیازدهی

امتیازدهی یکی از پدیده‌های زشت و از جمله مفاسد اجتماعی است که در بین مردم به پارتی بازی و «پند پ» مشهور است. حضرت در خطبه ۲۲۴ از ماجرای درخواست برادرش عقیل برای اختصاص سهم بیشتری از بیت المال سخن می‌گوید. عقیل که به

شدت فقیر بود و کودکش از شدت گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگ و روی شان تغییر کرده بود، از حضرت چندین مرتبه درخواستش را تکرار می‌کند. حضرت برای تنبه عقیل، آهنی را که در آتش گداخته شده بود، نزدیک بدن عقیل برد تا با حرارت آن عبرت بگیرد و حرارت آهن گداخته موجب ناله عقیل شد. حضرت در ادامه خطاب به عقیل می‌فرماید: با قبل ای من حدید آخاها إنشائها للعبه و تجزئی إلی نار تجرها جبارها قضیه تیر من الأذی و لا أن من لی» (خطبه ۲۲۴) در اینجا حضرت با این حرارت خفیف دنیوی، حرارت شدید عذاب الهی را یادآور عقیل می‌کند. بدین سان ترس از قیامت و آتش جهنم موجب امتیاز ندادن معرفی شده است.

۶. اصلاح فرهنگی

انسان معادب اور تنها به فکر خودش نیست، بلکه در تلاش است تا جامعه نیز به سوی صلاح سیر کند. تلاش آنها با ترویج آموزه های دینی است. حضرت در فرازی به عده ای اشاره دارند که با یاد قیامت مخلصانه به کار دعوت و تبلیغ به سوی خداوند می پردازند. (خطبه ۳۲) در لسان حضرت امیر، تبلیغ از جمله حقوق واجبی است که خداوند بر عهده بندگان گذاشته است. بندگان باید به اندازه توانایی شان نسبت به دیگران خیرخواهی نموده و از نصیحت آنان دریغ نکنند. (خطبه ۲۱۶) البته صرفا نباید به فکر نصیحت دیگران بود، بلکه پیش از آن باید خود را اصلاح کرد. مبلغ بی عمل همچون تیرانداز بدون کمان است. (حکمت ۳۳۷)

۷. انفاق

یکی از مبانی ارزشی و اخلاقی اسلام، انفاق است. انفاق نقش مهمی در توازن اقتصادی داشته و در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه نقش بسزایی دارد. حضرت امیرالمومنین کی انفاق را رهاورد اعتقاد به معاد می‌داند. حضرت در نامه ای به امام حسن (ع) در این باره می‌فرماید: «و إذا وجدت من أ الفاقه من یحمل لك زادک إلی یوم القیامه قوافیک به غذا حیث تحتاج إلیه قایمه و حمله إیاءه و أكثر من تزویده و أنت قادر علیه فلعلک تطلبه فلا تجده» (نامه ۳۱) در اینجا انفاق به عنوان فرستادن زادتوشه ای برای رستخیز معرفی شده است. حضرت صدقه دادن و احسان کردن را به دو طریق ترغیب کرده است:

اول. صدقه توشه ای است که فقیر تا روز قیامت آن را به دوش می‌کشد و آنجا به هنگام نیاز شدید به وی بازپس می‌دهد. از اینرو بری گیرنده صدقه صفت حامل توشه بطور استعاری آمده است.

دوم. صدقه به فقیر در حقیقت وامی است از طرف صدقه دهنده در حال بی‌نیازی تا در روز تنگدستی آن را بازپس گیرد، (ابن میثم، ج ۵، ص ۴۸) حضرت جهت توصیه به انفاق ضمن اشاره به برخی آیات قرآن محمد: ۷/ حدید: ۱۱)، عاقبت این افراد را همسایگی با خدا و هم نشینی با پیامبران و دیدار فرشتگان با آنها می‌داند: «بایرژوا بأعمالکم تکونوا مع جیران الله فی دارو را بهم شل و آزارهم قلايته و أكرم أمامهم أن تسمع خيسيش تار أبدأ و ممت أجسادهم أن تلقى أوبا و صبا» (خطبه ۱۸۳) در مقابل انفاق، بخل است که در نهج البلاغه در مذمت آن اینطور گفته شده: «در شگفتم از مرد بخیل که از بفقیر و تنگدستی که از آن گریزان است، می‌شتابد و توانگری را که می‌جوید از دست می‌دهد. پس در دنیا مانند تنگدستان زندگی می‌نماید و در آخرت مانند توانگران به حسابش می‌رسند.» (حکمت ۱۲۶) بدین سان دنیا و آخرت را از کف می‌دهد.

۸. هدایت دیگران

بی‌تردید امیرالمومنین علی و همه ائمه اطهار به عنوان انساهای کامل بهترین افراد برای تدبیر جامعه هستند. ائمه در معادباوری و عمل مطابق آن بهترین هستند. در این میان حضرت خطاب به مردم بصره خاطر نشان می‌کند که در مواقعی همچون فتنه باید از کسی که خودش مطیع امر الهی است، پیروی نمود. با پیروی از چنین حاکمی که معادی اور است، مردم در مسیر بهشت قرار می‌گیرند، البته چنین مسیری چه بسا همراه با سختی و تلخی می‌باشد: «فمن استطاع عند ذلک أن یعتقل نفسه علی الله عز وجل

فلیفعل فان أطمعنونی فانی خابگم إن شاء الله علی سبیل الجینی و إن كان ذا مشقة شديدة و مذاقة مريرة» (خطبه ۱۵۶) از منظر حضرت، راه بهشت با سختی‌ها پیچیده شده است، در حالی که مسیر جهنم همراه با شهوات است. (خطبه ۱۷۶)

نتیجه‌گیری

اعتقاد به معاد نقش مهمی و تعیین‌کننده‌ای در حیات دنیوی انسان دارد. نهج البلاغه به عنوان یکی از متون مهم دین اسلام به برخی از این آثار اشاره کرده است. از جمله آثار فردی معادباوری در نهج البلاغه می‌توان به این موارد اشاره نمود: زایل شدن گناهان؛ یاد خدا؛ نیایش؛ عدم دل بستگی به دنیا؛ مداومت بر قرآن؛ توبه؛ عمل صالح؛ اجتناب از زشتیها. معاد بلوری علاوه بر آثار فردی، دارای آثار اجتماعی نیز می‌باشد. در واقع باور فرد معاد باور نه تنها در زندگی شخصی اش، بلکه در بیرون از خودش یعنی در ساحت خانواده و اجتماع نیز اثرهای مبارکی دارد. برخی از این آثار عبارتند از: پرهیز از ظلم و ستم؛ اجتناب از غصب؛ پرهیز از شوه از امتیازدهی؛ انفاق؛ هدایت دیگران توجه و عنایت به این آثار و نهادینه سازی کردن در زندگی در سعادت فرد و افراد جامعه آثار مبارکی دارد. فرد معادباور در طول حیات روزمره اش مراقب بینش، کردار و گفتار خویش است؛ چرا که خداوند را ناظر همه حرکات و سکنات خود می‌داند؛ خداوندی که از ظاهر و باطن همه چیز آگاهی داشته و هیچ چیزی را نمی‌توان از او پنهان نمود. همچنین فرد می‌داند که این دنیا پایان راه نیست، بلکه برای دیگری نیز هست که شخص در مقابل همه کارهای خود باید پاسخگو باشد. از اینرو تمام هم و غم او در زیست مومنانه‌ای است که سعادت عقبی را در پی دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبیه الله؛ شرح نهج البلاغه؛ مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ ج ۱، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن فارس، أبو الحسین احمد؛ معجم مقاییس اللغه؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن میثم، علی بن میثم بحرانی؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲ ش
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ مصحح: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۶. شوشتری، محمدتقی بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱ تصحیح؛ مؤسسه نهج البلاغه، طهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۷. فراهیدی، خلیل بن احمد العین ج ۲، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۸. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ جها، تهران: مؤسسه چاپ و نشر فیض الإسلام، ۱۳۷۹ ش.
۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی الوافی؛ ج ۱، اصفهان: مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۹ و ۱۰۰ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. موسوی، سید عباس علی؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، بیروت: دار الرسول الاکرم - دار المحجة البيضاء، ۱۴۱۸ ق.